

جایگاه کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران^۱

احمد رضا بهنیاfer*

چکیده

انسان به عنوان اشرف مخلوقات و جانشین خدا در زمین در دین اسلام مقام و ارزش والایی داشته و از کرامت و شرافت ذاتی برخوردار است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز که از شرع مقدس اسلام الهام گرفته با اشاره به کرامت و ارزش والای انسان، آرمان خود را سعادت انسان در کل جامعه بشری می‌داند. هدف اصلی مقاله، آن است که با شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی، جایگاه کرامت انسانی را در قانون اساسی مشخص نماید. نتیجه حاصله آن است که علی‌رغم به رسمیت شناخته شدن اصل کرامت و شرافت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر به دلیل الهام گرفتن قانون اساسی از دین اسلام، جایگاه کرامت انسان با آنچه که در اسناد حقوق بشر آمده متفاوت بوده و پذیرش حق حاکمیت برای انسان و نقش او در تعیین سرنوشت خود و نیز اختصاص فصل جداگانه‌ای در مورد حقوق ملت به خاطر اعتقاد به کرامت و شرافت ذاتی انسان است.

واژگان کلیدی: دین اسلام، کرامت انسانی، قانون اساسی جمهوری اسلامی

ایران، حقوق بشر

^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۱۵

* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان

طرح مسئله

انسان همواره در کانون اندیشه بشری از مهم‌ترین دغدغه‌ها بوده تا آنجا که نه تنها شناخت انسان در آموزه‌های تمام ادیان الهی پس از خداشناسی بیش‌ترین اهمیت را داشته و یکی از اهداف اساسی انبیاء توجه دادن انسان به خویش‌تن محسوب می‌شد، بلکه حیثیت انسانی در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قوانین اساسی کشورها نیز مورد توجه و عنایت ویژه قرار گرفته است.

در دین مبین اسلام انسان اشرف مخلوقات، موجود برگزیده از جانب خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین و به ویژه برخوردار از شرافت و کرامت ذاتی است که شایستگی مدیر و مدبر بودن بر جهان طبیعت را دارد. از آنجا که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنایی دینی و الهی داشته و از قرآن و سنت الهام گرفته است، مقام و ارزش والایی برای انسان قائل شده و نه تنها به کرامت و شرافت او اشاره نموده بلکه وی را در تعیین سرنوشت خود مختار و آزاد دانسته و حقوق ویژه‌ای برای وی در نظر گرفته است. بنابراین با توجه به اینکه اصل کرامت انسانی شرط لازم برای تکوین نظام جمهوری اسلامی ایران و یکی از پایه‌های مهم آن محسوب می‌شود، پرداختن به این موضوع از ضروریات جامعه اسلامی محسوب می‌شود.

در تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده به جایگاه انسان و کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی توجه شده است. از این جهت هدف اصلی مقاله آن است که روشن نماید جایگاه انسان و کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی چگونه تبیین شده است؟ برای پاسخ به این سوال با استفاده از شیوه‌ای توصیفی و تحلیلی به مفهوم شناسی کرامت به ویژه از منظر قرآن، دیدگاه اسلام در مورد انسان و جایگاه انسان در قوانین اساسی کشورها و جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده و در ادامه نیز اصول قانون اساسی در موضوع کرامت انسانی و ارزش والای او مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۱- مفهوم کرامت و انواع آن

کرامت به صورت اسم مصدر در معانی سخاوت، شرافت، نفاست، عزت، کمال و نیز پاک بودن از آلودگی‌ها به کار برده شده است.^۲ معانی دیگر آن نیز عبارتند از: کاری خارق العاده که توسط اولیاء و صالحان انجام می‌گیرد، بزرگی و ارجمندی، بخشندگی و داشتن صفات نیک.^۳ بنابراین کرامت انسانی یعنی اینکه انسان صرف‌نظر از نژاد، رنگ، مذهب، زمان، مکان و چگونگی زندگی در بین موجودات عالم کریم و شایسته است و ارزش والایی دارد. لذا برای توضیح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بعد از واژه‌ی کرامت ارزش والای انسان آمده است.^۴

دین اسلام برای انسان‌ها دو نوع کرامت قائل شده است:

۱-۱. کرامت طبیعی و ذاتی

انسان دارای کرامت بالذات است، بدین معنی که کرامت در آدمی به صورت صفت نیست بلکه جوهره‌ی هر فرد محسوب می‌شود و خداوند سبحان بنی آدم را از ابتدای خلقت مورد تکریم قرار داده و با در اختیار گذاشتن خشکی و دریا، روزی پاکیزه مقرر داشته و بدین وسیله آنان را بر بسیاری از موجودات برتری داده است. «و لقد کرمنا بنی آدم و حملنا هم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فصلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفصیلاً»^۵. بنابراین از سان از یک کرامت و شرافت ذاتی برخوردار است که بر اساس آن خداوند او را بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری داده است.

از این جهت علامه طباطبایی در تفسیر المیزان مقصود از کرامت انسانی را گوهر گران‌بهای عقل می‌دانند که صرف‌نظر از مراتب معنوی و روحی به وی اعطا شده و در سایه‌ی این موهبت الهی می‌تواند حق را از باطل جدا نماید و بر سایر موجودات مسلط گردد و برای عهده‌داری امانت بزرگ الهی و رسیدن به کمال

^۲قریشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲، ج ۶، ص ۱۰۳

^۳ عمید، حسن، فرهنگ فارسی، انتشارات اشجع، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۴۴۳

^۴ یزدی، محمد، شرح و تبیین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات امام

عصر(عج)، ۱۳۸۲، ص ۴۴

^۵ اسراء / ۷۰

عبودیت آماده شود.^۶

آدمی زمانی خویشستن واقعی خود را درک و احساس می‌کند که کرامت و شرافت ذاتی خویش را درک نموده و آن را پرورش دهد و خود را برتر از پستی‌ها، دنائت‌ها، اسارت‌ها و شهوترانی‌ها به شمارد.^۷

منشا این کرامت ذاتی انسان همان رابطه‌ی ارزشمند خداوند با او است، چنانچه از آیه «فَنفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» بر می‌آید که خدای متعال با این تکریم با عظمت او را شایسته سجده فرشتگان فرموده است.^۸ از طرف دیگر ناشی از صفات، نیروها و استعدادهایی است که با به کار انداختن آن‌ها و تکاپوی مخلصانه در مسیر حیات معقول به جایگاهی والا متصف می‌گردد.^۹ در نتیجه کرامت، امتیازی در وجود انسان است که در دیگران نیست و توجه انسان به مقام و کرامت خود، موجب شکر و دوری از کفران می‌گردد.^{۱۰}

۴

از نتایج اجتماعی کرامت ذاتی انسان حق حیات وی در میان همه‌ی جانداران و هم‌نوعان می‌باشد. همه افراد انسانی به تساوی از این حق برخوردارند که به عنوان یک مفهوم جهانی نیز مورد توجه قرار گرفته و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نیز بر آن تأکید نموده است.^{۱۱} به طوری که ماده‌ی یک این اعلامیه می‌گوید: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند». ^{۱۲} مادامی که انسان آن کرامت و حیثیت را با خیانت به خویشستن یا دیگران از خود سلب نکند،

^۶ طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی،

بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی و مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۶۳، ج ۱۳، ص ۲۶۲

^۷ مطهری، مرتضی، انسان در قرآن، انتشارات صدرا، ۱۳۸۶، ص ۱۱

^۸ جعفری، محمدتقی، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، انتشارات دفتر خدمات

حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰، ص ۲۷۸-۲۸۱

^۹ توحیدی، احمدرضا، تاملی در اصول کلی نظام، حقوق و آزادی های مردم در قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشر معارف، ص ۴۴

^{۱۰} قرآنتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۰، ص ۹۴-۹۵

^{۱۱} هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشر میزان، ۱۳۸۴، ج ۱،

ص ۱۰۱

^{۱۲} در اعلامیه جهانی حقوق بشر از کرامت انسانی به حیثیت انسان تعبیر شده است.

دیگران مکلف هستند این حق را مراعات نمایند، همان گونه که به رعایت حق حیات یکدیگر نیز مکلف می باشند.

۲-۱. کرامت اکتسابی

هر چند که انسان‌ها دارای شئون و حیثیت برابر هستند اما می‌توانند با به کار انداختن استعداد‌های خود مراتب کمال انسانیت را طی نمایند و به مدارج عالی ارتقاء یابند و بر پایه این کرامت اکتسابی و اختیاری است که افراد نسبت به یکدیگر برتری می‌یابند.

در واقع ارزش عالی انسان به این نوع کرامت بستگی دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبایل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم».^{۱۳}

خداوند در این آیه تقوی را به عنوان یک ارزش واقعی، عامل برتری، شرافت و کرامت انسان معرفی می‌نماید و اموری چون قبیله، خون، رنگ، نژاد، مال، مقام و ثروت را در ردیف ارزش‌های کاذب قرار داده است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است که «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود».^{۱۴} در نتیجه با توجه به مفهوم کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی می‌توان دریافت که خداوند زمینه‌ی ارزش و کرامت را در وجود انسان نهاده است و در واقع اگر انسان در صدد هواپرستی و خودکامگی برآید و استعداد‌هایش را در جهت اهداف نفسانی خود قرار دهد، کرامت ذاتی خویش را پایمال کرده است، اما اگر این توانایی را در جهت نوع دوستی، آزادی، فداکاری، رحمت و مهربانی به کار بندد، موجب تثبیت و ارتقاء این کرامت انسانی می‌گردد.

۲- انسان از منظر اسلام

از آنجایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنایی دینی و اسلامی داشته و از قرآن و سنت الهام گرفته است، ابتدا باید دیدگاه اسلام را در مورد انسان

^{۱۳} حجرات / ۱۳

^{۱۴} اصل نوزدهم

بیان نمود و سپس به جایگاه انسان و کرامت انسانی در قانون اساسی پرداخت. انسان همواره در کانون اندیشه‌ی بشری یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها بوده است. توجه به انسان تنها به این علت نیست که او یکی از موجودات این عالم محسوب می‌شود و باید مورد شناسایی قرار گیرد، بلکه اهمیت شناخت او از این جهت می‌باشد که در واقع شناخت ماهیت و حقیقت انسان است.

در آموزه‌های تمام ادیان الهی شناخت انسان پس از خدا شنا سی بی‌شترین اهمیت را دارد، تا آنجا که یکی از اهداف اساسی انبیاء توجه دادن انسان به خویشتن بوده است، که مقدمه‌ی خداشناسی می‌باشد، «من عرف نفسه فقد عرف ربه». بنابراین از دیدگاه اسلام بین انسان شناسی با خداشناسی، معادشناسی و جهان‌شناسی یک رابطه‌ی دو سویه وجود دارد.^{۱۵}

از نظر اسلام:

۱. انسان مخلوق و خلیفه‌ی خدا بر زمین است^{۱۶} و آفرینش او امری هدفمند و زندگی‌اش دارای جهتی خاص خواهد بود. از این رو انسان‌شناسی به گونه‌ای مستقیم بر معناداری زندگی تأثیر دارد.

۲. انسان آفریده شده تا به سعادت و بالاترین حد کمال یعنی به مرتبه‌ی قرب الهی دست یابد. «و ان الی ربک المنتهی».^{۱۷}

۳. انسان شخصیتی مستقل، آزاد و مختار است و امانت‌دار خدا بوده و مسئولیت دارد.^{۱۸}

۴. انسان ترکیبی از طبیعت و ماوراءالطبیعت، ماده، معنی، جسم و جان است.

۱۹

۵. انسان کرامت و شرافت ذاتی دارد.^{۲۰}

^{۱۵} گرامی، غلامحسین، انسان در اسلام، نشر معارف، ص ۲۱-۲۲

^{۱۶} انعام / ۱۶۵.

^{۱۷} نجم / ۴۲.

^{۱۸} احزاب / ۷۲.

^{۱۹} سجده / ۷-۹.

^{۲۰} اسراء / ۷۰.

۶. او موجودی انتخاب شده و برگزیده است.^{۲۱}
۷. فطرتی خدا آشنا داشته و به خدای خود در عمق وجدانش آگاهی دارد.^{۲۲}
۸. تمام اسماء به او آموخته شده و به همه‌ی حقایق آشنا شده است.^{۲۳}
۹. نعمت‌های زمین برای انسان آفریده شده و آسمان و زمین مسخر اوست.^{۲۴}
۱۰. وظیفه‌ی انسان اطاعت از اوامر الهی است.^{۲۵}

بنابراین از نظر اسلام، انسان موجودی برگزیده از جانب خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین، نیمه ملکوتی و نیمه مادی، دارای فطرتی خدا آشنا، آزاد، مستقل، امانت‌دار خدا، مسئول خویشستن و جهان، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان، ملهم به خیر و شر، وجودش از ضعف و ناتوانی آغاز شده و به سوی قوت و کمال سیر می‌کند، جز در بارگاه الهی و جز با یاد او آرام نمی‌گیرد، ظرفیت علمی و عملی‌اش نامحدود است، از شرافت و کرامت ذاتی برخوردار است، حق بهره‌گیری مشروع از نعمت‌های الهی به او داده شده و در برابر خدای خود وظیفه و مسئولیت دارد.^{۲۶}

۳- حقوق بشر و کرامت انسانی در قوانین اساسی کشورها و جمهوری

اسلامی ایران

به بیان ساده حقوق بشر به رسمت شناختن برخی از حقوق و آزادی‌های اساسی برای افراد انسانی و احترام گذاشتن به آنها از سوی قدرت حاکم و دولت‌ها صرف نظر از تعلقات نژادی، قومی، قبیله‌ای، زبانی، مذهبی و جنسیتی است. اساس حقوق بشر که امروزه دامنه گسترده‌ای پیدا کرده بر این است که انسان به عنوان انسان، دارای ارزش و حیثیت بوده و برابری انسان‌ها در کرامت انسانی و برخوردار بودن از حقوق و آزادی‌های اصلی که متناسب با طبیعت انسانی است، برای

^{۲۱} طه / ۱۲۲.

^{۲۲} روم / ۴۳ - اعراف / ۱۷۲.

^{۲۳} بقره / ۳۱-۳۳.

^{۲۴} بقره / ۲۹ - جاثیه / ۱۳.

^{۲۵} ذاریات / ۵۶.

^{۲۶} مطهری، مرتضی، پیشین، ص ۱۴

همه به طور مساوی شناخته شود.

هر چند که اساس این بحث سابقه‌ای به قدمت تاریخ بشریت و تشکیل جوامع انسانی است ولی مصطلح شدن این عنوان و گستردگی آن به قرن هجدهم میلادی بر می‌گردد و بعد از پایان جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل متحد با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسناد بین‌المللی دیگر، ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد.

در واقع می‌توان گفت عواملی چون استبداد و خودسری حاکمان که خود را مالک الرقاب مردم می‌دانستند و برای آنها حقی قائل نبودند، برده‌داری و خرید و فروش انسان به عنوان یک شیء مملوک، تبعیضات نژادی، تعصبات کور مذهبی و امتیازات طبقاتی این اندیشه را پدید آورد که باید اساس احترام به انسانیت و محترم شمردن شخصیت و کرامت انسانی و آزاد بودن او و نقش و مسئولیت هر فرد در جامعه‌ای که به آن تعلق دارد، به تدریج موجب تدوین اصول و مقررات مشترک و دارای ظرفیت پذیرش از سوی ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف شد که به حقوق بشر معروف گردید و به تدریج در قانون اساسی کشورها که منشور حکومتی و میثاق بین ملت و دولت است، متداول شد.^{۲۷}

در بحث حقوق بشر، آنچه به عنوان اساس و پایه مورد نظر می‌باشد، عبارت است از شناسایی حیثیت یا کرامت ذاتی انسان و برابر دانستن انسان‌ها در کرامت انسانی، تساوی در حقوق و ممنوعیت تبعیضات نژادی، مذهبی و جنسی، نقش افراد جامعه در اداره حکومت و یا منشاء قدرت بودن که در کنار یک سلسله حقوق طبیعی در یک جامعه مشخص حقوق شهروندی یا حقوق ملت نامیده می‌شود.

در اعلامیه استقلال آمریکا که در ۴ ژوئیه ۱۷۷۶ منتشر شد اعلام می‌دارد: ما معتقدیم که همه‌ی انسان‌ها مساوی خلق شده و آفریدگار آنها برخی حقوق انکار ناپذیر و غیر قابل سلب از جمله حق حیات، آزادی و حق جستجوی خوشبختی به آن‌ها اعطا کرده است.»

در اعلامیه حقوق بشر فرانسه که در ۲۶ اوت ۱۷۸۹ صادر شد آمده است:

^{۲۷} مهرپور، حسین، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشر دادگستر، ۱۳۸۷،

«تنها علت بدبختی‌های عمومی و فساد دولت‌ها انکار یا فراموشی و یا تحقیر حقوق انسانی مردم است».

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در ماده‌ی یک مقرر می‌دارد «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند».

در قوانین اساسی بسیاری از کشورها با همه تنوعی که دارند اصول و مفاهیم حقوق بشری مخصوصاً مفاهیم مربوط به کرامت انسانی، تساوی، آزادی و حاکمیت ملت تصریح شده است.

قانون اساسی سال ۱۹۵۸ فرانسه مقرر می‌دارد که: «جمهوری، برابری همه‌ی شهروندان را در مقابل قانون، بدون تبعیض از نظر اصالت خانوادگی، نژاد یا مذهب تضمین می‌نماید و همه‌ی اعتقادات را محترم می‌شمارد».^{۲۸}

قانون اساسی کره‌ی جنوبی آورده که «تمام شهروندان از ارزش و منزلت انسانی برخوردار بوده و حق دارند به دنبال سعادت و خوشبختی باشند».^{۲۹}

در قانون اساسی ایتالیا آمده «آحاد ملت از شأن اجتماعی یکسان برخوردار می‌باشند و بدون هیچ‌گونه تبعیض از نظر جنسی، نژاد، مذهب، عقاید سیاسی، شرایط شخصی و اجتماعی در برابر قانون مساوی می‌باشند».^{۳۰} در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز که از یک سو تحت تأثیر قوانین اساسی کشورهای پیشرفته مخصوصاً فرانسه و از سوی دیگر در فضای فرهنگی و آموزه‌های اسلامی که به کرامت انسانی و آزادی و تساوی اصلی انسان‌ها تصریح دارد، تدوین و تصویب شده این مفاهیم اساسی مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

«کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا»^{۳۱}

«مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ،

^{۲۸} قانون اساسی فرانسه، اصل اول و دوم

^{۲۹} قانون اساسی کره جنوبی، اصل دهم

^{۳۰} قانون اساسی ایتالیا، اصل سوم

^{۳۱} بند ششم اصل دوم

نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود»^{۳۲}

«برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادی او اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود. . .»^{۳۳}

«حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرّقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند»^{۳۴}.

«جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه‌ی بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه‌ی مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه‌ی حق‌طلبانه‌ی مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند»^{۳۵}.

هر چند ممکن است با توجه به مذاکرات و بحث‌های تدوین‌کنندگان قانون اساسی کرامت انسانی مصرّح در آن دقیقاً با مفهومی که در اسناد حقوق بشری آمده و نتایجی که بر آن مترتب است، منطبق نباشد. چون توجه خبرگان قانون اساسی به کرامت ذاتی انسان از دیدگاه اسلام و آزاد بودن انسان به معنای جبری نبودن و تلاشی که باید در جهت احیاء و رشد گوهر انسانیت و جلوگیری از سقوط او به ورطه‌ی حیوانیت به عمل آید و نیز توجه به اینکه در عین آزادی، انسان در برابر خداوند مسئول است و باید این آزادی در طریق پرورش ارزش‌های الهی و انسانی به کار بیندازد، بوده است. ولی به هر حال، این وجه مشترک را با اسناد حقوق بشری دارد که اصل کرامت و شرافت انسانی را برای مطلق انسان به رسمیت شناخته که پیامدهای خاص خود را به همراه دارد.

^{۳۲} اصل نوزدهم

^{۳۳} اصل چهل و سوم

^{۳۴} اصل پنجاه و ششم

^{۳۵} اصل یکصد و پنجاه و چهارم

۴- اصل دوم قانون اساسی و طرح مسئله‌ی کرامت انسانی

اصل دوم از جمله اصول محوری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود، به طوری که پایه‌ها، ارکان، روش‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی در آن به تصویر کشیده شده است.

در این اصل، اصول پنجگانه اعتقادی (توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت) به ضمیمه اصل کرامت انسان و جایگاه والای او به عنوان ارکان ششگانه و بنیادهایی معرفی شده‌اند که مبانی و پایه‌های نظام جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهند.^{۳۶} بدون تردید بیان این اصول اعلام موضع نظری صرف نیست، زیرا آنچه که بیش از همه مسیر زندگی انسان را تعیین می‌کند اصول اعتقادی و ایمان است و قرار دادن اصل «کرامت و ارزش والای انسان» در کنار اصول پنجگانه اعتقادی بیانگر اهمیت و جایگاه انسان و ارزش والای او در قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌باشد.

تدوین‌کنندگان قانون اساسی با و سواس در تنظیم بند ششم اصل دوم در صدد بودند تا نشان دهند در جمهوری اسلامی انسان به عنوان یک حیوان ابزار ساز نیست، بلکه او خلاصه موجودات و موجود متکامل عالم طبیعت است.^{۳۷} و ارزش انسانی، ارزش مادی نیست بلکه ماهیت وجودی وی مدنظر می‌باشد و آن عبارت است از روح الهی که به او دمیده شده است.^{۳۸}

از این جهت و برابر جهان‌بینی اسلامی که پایه بینش جمهوری اسلامی است انسان یک موجود مجبور، مفلوک و بی‌اختیار نیست، او از نعمت آزادی و اختیار برخوردار است که می‌تواند سرنوشت خویش را به دست خود بسازد. «ان الله لا یغیرو ما یقوم حتی یغیروا ما بانفسهم».^{۳۹} در نتیجه انسان مکمل عالم طبیعت بوده

^{۳۶} جوان آراسته، حسین، مبانی حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۳، ص ۴۲ و مجیدی، محمدرضا، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشر معارف، ص ۸۲

^{۳۷} بی‌نا، صورت مشروح مذاکرات بررسی و تصویب نهایی قانون اساسی، تهران، انتشارات اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۸۰

^{۳۸} یزدی، محمد، پیشین، ص ۴۶

^{۳۹} عمیدزنجانی، عباسعلی، مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۱

و صاحب گوهری است که او را به سوی تکامل می‌کشاند و ویژگی‌هایی دارد که سایر موجودات فاقد آن هستند.^{۴۰}

آزادی انسان نیز آزادی تکوینی است نه تشریحی^{۴۱} و توأم با مسئولیت در برابر خدا است، مسئولیتی که در دنیا و آخرت باید نسبت به رفتار خود پاسخگو باشد. از طرف دیگر قرار گرفتن پنج اصل دینی در کنار کرامت انسانی، جایگاه دینی و حقوق بشری را به عنوان پایه‌های اعتقادی نظام حکومت دینی جمهوری اسلامی بیان می‌دارد که بایستی ساختارها، قوانین و مقررات نیز بر همین مبنا باشد.^{۴۲} در نتیجه آن چه که در اصل دوم قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته آن است که جمهوری اسلامی خود را همانند مردم، متعهد و مقید به رعایت اصول دین و مذهب و تحقق عینی آن می‌داند و مشروعیت خود را در تبعیت از این اصول قرار می‌دهد و با پذیرش حاکمیت الهی در خلقت و قانونمندی، اداره‌ی امور بندگان خدا را با رأی و قبول مردم مؤمن و متعهد به مکتب به عهده می‌گیرد.

به همین دلیل در بند ششم اصل دوم به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا می‌پردازد و تحقق قسط و عدل، استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همبستگی ملی را با استفاده از اجتهاد مستمر فقهاء جامع‌الشرایط بر اساس کتاب خدا و سنت معصومین علیهم السلام و استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در جهت پیشبرد آنها و نفی هر گونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری می‌داند.

۵- حق حاکمیت انسان در اصل پنجاه و ششم

آنچه که از دیدگاه اسلامی بر می‌آید آن است که واگذاری حق حاکمیت به انسان از جانب خداوند متعال به خاطر کرامت و ارزش والای انسان، مقام خلیفه‌اللهمی وی و آزادی او در حق تعیین سرنوشت است که در اصل پنجاه و ششم قانون

^{۴۰} مدنی، سیدجلال الدین، حقوق اساسی و نهادی سیاسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات پایدار، ۱۳۸۷، ص ۱۴۶

^{۴۱} بی‌نا، صورت مشروح مذاکرات بررسی و تصویب نهایی قانون اساسی، ج ۱، ص ۲۱۲

^{۴۲} زراعت، عباس و حاجی‌زاده، حمیدرضا، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، موسسه فرهنگی هنری دانش‌پذیر، ۱۳۸۸، ص ۴۸

اساسی جمهوری اسلامی ایران تبلور یافته است. این اصل بیان می‌دارد:

«حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرّقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند».

در اصل فوق به دو نوع حاکمیت اشاره شده است:

حاکمیت مطلق خداوند بر جهان و انسان.

حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش.

حاکمیت مطلق خدا بر جهان آفرینش، نتیجه‌ی منطقی دلایل متقن توحید، نخستین اصل اعتقادی اسلام است. زیرا معنی توحید تنها خالق بودن خداوند نیست، بلکه هدفدار بودن جهان، وابستگی کل نظام آفرینش به مبداء حکیم و حرکت موزون و حساب شده به سمت کمالات شایسته است.^{۴۳} بنابراین منظور از حاکمیت الهی عبارت است از:

حاکمیت تکوینی: یعنی خلقت، حیات و وجود همه چیز از جمله انسان در دست خداست.

حاکمیت تشریعی: بدین معنی که خداوند انسان را آزاد آفریده، لذا حاکمیت خود بر اعمال او را از طریق دین و شریعت اعمال نموده است.^{۴۴}

در خصوص حاکمیت انسان در این اصل آمده است که: «... و هم او (خدا) انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است... و ملت این حق خداداد را از طرّقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند». این دو عبارت بیانگر پذیرش حاکمیت مردمی و ملی به عنوان دو وجه حاکمیت انسانی است.

در نخستین عبارت به حاکمیت مردمی به طور مستقیم اشاره می‌شود، چون همه‌ی افراد بشر حق دارند سرنوشت فردی و اجتماعی خود را تعیین کنند و عبارت

^{۴۳} عمیدزنجانی، عباسعلی، کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۷، ص ۹۰ و نیز همو، فقه سیاسی، امیرکبیر، ۱۳۶۸، ج ۱، صص ۲۵۸-۲۶۲

^{۴۴} نجفی اسفاد، مرتضی و محسنی، فرید، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات بین‌المللی الهدی، صص ۱۰۹-۱۱۰

دوم به حاکمیت ملی اشاره دارد که همان قدرت یکپارچه مردم از طریق نمایندگی یا حکومت غیر مستقیم است.

از طرف دیگر حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش، نتیجه منطقی اصل اعتقادی «آزادی و اختیار انسان‌ها» است که به حکم مشیت الهی، آزاد، مختار، مسئول و حاکم بر سرنوشت خویش آفریده شده و به او شرافت و کرامت ذاتی و شایستگی خلافت الهی داده شده است، به طوری که باید در عمل این شایستگی و استعداد را به منصفی ظهور و بروز برساند و جامعه‌ی نمونه‌ی خود را بنا کند.

بنابراین انسان با ایمان به خدا، خویشتن را در برابر قدرت لایزال الهی مسئول می‌بیند و برای اطمینان از خشنودی خدا و رسیدن به کمال شایسته‌ی خویش نسبت به اطاعت از وحی و فرمان الهی احساس مسئولیت می‌کند. در اینجا دو رشته‌ی حاکمیت به هم می‌رسد و در اراده‌ی آزاد انسان نسبت به اطاعت از وحی هم حاکمیت خدا و هم حاکمیت انسان بر سرنوشت خود متجلی می‌گردد. در نتیجه، بنا به اصل پنجاه و ششم قانون اساسی حاکمیت انسان در طول حاکمیت خداوند قرار می‌گیرد.^{۴۵} زیرا در اصل حاکمیت از آن خداست و در طول آن کسی که خداوند به او اجازه حاکمیت داده در همان سطح و محدوده‌ای که باری تعالی برای او معین کرده حق حاکمیت دارد و اگر خداوند اجازه ندهد، هیچ انسانی حق حاکمیت بر دیگری را نخواهد داشت.^{۴۶}

باید به این نکته نیز اذعان نمود که حق حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی و سیاسی خویش مشارکت عملی و همه جانبه‌ی آنان را ایجاب می‌کند و قانون اساسی جلوه‌های مختلفی از مشارکت حقوقی، سیاسی و اجتماعی را پیش‌بینی نموده است:

۱. از نظر سیاسی: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول

^{۴۵} عمیدزنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، امیرکبیر، ۱۳۶۸، ج ۱، صص ۲۸۷-۲۹۱ و موسوی

خلخال، سیدمحمد مهدی، شریعت و حکومت، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۲۲

^{۴۶} نوروزی، محمدجواد، نظام سیاسی اسلام، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام

خمینی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۲

استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازن اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند».^{۴۷} این حضور مردم در صحنه‌ی سیاسی امکان نزدیکی آنان به اعمال حاکمیت از طریق رقابت‌های حزبی را فراهم می‌کند.

۲. از نظر حقوقی: حکومت جمهوری اسلامی با رأی ملت ایجاد شده است،^{۴۸} و در این نظام اداره‌ی امور کشور به اتکاء آراء عمومی است.^{۴۹}

۳. از نظر اجتماعی: «دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده‌ی مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت».^{۵۰} در این مشارکت ارشادی مردم قادر خواهند بود سهمی اساسی در نظارت بر اعمال دولت و سالم‌سازی جامعه بر عهده داشته باشند.^{۵۱} در نتیجه، آنچه از اصل پنجاه و ششم و واگذاری حق حاکمیت به انسان از جانب خداوند و آزادی وی در تعیین سرنوشت خود مستفاد می‌گردد آن است که:

حاکمیت انسان حقی الهی است و از او قابل سلب نیست.

واگذاری این حق به انسان از جانب خداوند به دلیل کرامت انسان و مقام خلیفه‌اللهی اوست.

کرامت انسانی، مقتضای آزادی توأم با مسئولیت انسان در تعیین سرنوشت خود و پاسخگویی او در برابر خداوند است.

۶- کرامت انسانی مبنای حقوق عمومی و آزادی‌های فردی در قانون

اساسی

کرامت انسان که در قرآن بر آن تأکید شده، مبنای اصلی حقوق و آزادی‌های بشری است که به نوع شناختی که اسلام از انسان ارائه می‌دهد، باز می‌گردد. انسان موجودی مستعد با قابلیت‌ها و توانایی‌های فراوان و بالقوه می‌باشد که پیوسته

^{۴۷} اصل بیست و ششم

^{۴۸} اصل اول

^{۴۹} اصل ششم

^{۵۰} اصل هشتم

^{۵۱} هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشر میزان، ۱۳۸۴، ج ۲،

استعدادهایش در حال حرکت و شکوفا شدن است. از این رو در این فرآیند به حقوق و آزادی‌ها نیاز حیاتی و فطری دارد و بخش عظیمی از این حقوق و آزادی‌ها ذاتی انسان محسوب می‌شود.

یکی از اهداف انقلاب اسلامی که بر اساس مبانی فلسفی، حقوقی و اخلاقی اسلام شکل گرفته، احیاء حقوق عمومی و آزادی‌هایی است که افراد بشر باید آن را دارا باشند. بنابراین به غیر از مفاهیم اساسی و پایه‌ای حقوق بشر مانند کرامت انسان، تساوی و آزادی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مانند بسیاری از قوانین اساسی کشورها به آن پرداخته، مفاهیم و مصادیق متعددی از حقوق و آزادی‌های شناخته شده برای شهروندان که دولت متعهد به حفظ، اجرا و تقویت آن است را تحت عنوان حقوق ملت مورد بررسی قرار داده است.

این حقوق به طور کلی در اصول دوم و سوم و برخی اصول دیگر و به طور خاص در فصل سوم قانون اساسی^{۵۲} مورد اشاره واقع شده که در سه دسته قابل بیان می‌باشد:

۱-۶. حقوق مدنی و سیاسی شامل:

- تساوی و برابری آحاد مردم.^{۵۳}

— آزادی: که می‌توان آن را به آزادی تن یا حق حیات،^{۵۴} آزادی بیان و مطبوعات،^{۵۵} آزادی اندیشه و عقیده،^{۵۶} آزادی احزاب و اجتماعات،^{۵۷} آزادی حق تابعیت،^{۵۸} و آزادی حق حریم خصوصی،^{۵۹} تقسیم نمود.

۲-۶. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، شامل:

- حق و آزادی انتخاب شغل (اصل بیست و هشتم).

^{۵۲} اصول نوزدهم تا چهل و دوم

^{۵۳} اصول نوزدهم و بیستم

^{۵۴} اصل بیست و دوم

^{۵۵} اصل بیست و چهارم

^{۵۶} اصل بیست و سوم

^{۵۷} اصل بیست و ششم

^{۵۸} اصل چهل و یکم

^{۵۹} اصل بیست و پنجم

- حق برخورداری از تأمین اجتماعی و مسکن متناسب.^{۶۰}

- آموزش و پرورش رایگان و همگانی.^{۶۱}

- آزادی و حق برخورداری از کسب و کار و مالکیت مشروع.^{۶۲}

۳-۶. حقوق و آزادی‌های قضایی و امنیتی شامل:

- حق دادخواهی.^{۶۳}

- حق انتخاب و دسترسی به وکیل.^{۶۴}

- اصل برائت.^{۶۵}

- اصل قانونی بودن جرم و مجازات.^{۶۶}

- ممنوعیت شکنجه.^{۶۷}

- مصونیت از تعرض.^{۶۸}

- ممنوعیت هتک حرمت.^{۶۹}

- اصل ممنوعیت توقیف.^{۷۰}

آنچه که باید در رابطه‌ی با موارد مذکور در قانون اساسی مورد تأکید قرار گیرد آن است که ماهیت و محتوای این حقوق و آزادی‌ها اسلامی است، زیرا هر سیستم سیاسی متناسباً نظام ارزشی و بینشی خود حقوق و آزادی‌ها را پیش‌بینی می‌کند.

از طرف دیگر اساس آموزه‌های اسلام با اعتقاد به وحدانیت الهی و اصول اخلاقی و فضائی که از اعتقاد به توحید نشأت گرفته، می‌باشد و حقوق و آزادی مورد

^{۶۰} اصل بیست و نهم و سی و یکم

^{۶۱} اصل سی ام

^{۶۲} اصل چهل و ششم

^{۶۳} اصل سی و چهارم

^{۶۴} اصل سی و پنجم

^{۶۵} اصل سی و هفتم

^{۶۶} اصل سی و ششم

^{۶۷} اصل سی و هشتم

^{۶۸} اصل بیست و دوم

^{۶۹} اصل سی و نهم

^{۷۰} اصل سی و دوم

نیاز انسان در گام اول اعتقادی، «آزادی از قید بندگی غیر خدا»^{۷۱} است که با مفهوم بسیار وسیع خود شامل آزادی‌های معقول دیگر می‌شود. بنابراین با وجود چنین شرایطی کرامت انسانی به معنای واقعی حفظ می‌شود.

۷- کرامت انسانی و نقش آن در تعیین ضوابط اقتصادی

همان طوری که در مقدمه‌ی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است اقتصاد وسیله است نه هدف و در تحکیم بنیادهای اقتصادی اصل رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست، نه تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی. با این دیدگاه برنامه‌ی اقتصاد اسلامی فراهم کردن زمینه‌ی مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و رفع نیازهای ضروری همگان بر عهده‌ی حکومت اسلامی می‌باشد.^{۷۲} بنابراین استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی یکی از اهداف عالی‌ی زمامداری در اسلام است و دولت‌ها باید نیل به عدالت و محو فقر را سر لوحه‌ی سیاست‌های اجرایی خود قرار دهند.

از اینرو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل چهل و سوم چنین بیان می‌دارد: «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱. تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم جهت تشکیل خانواده برای همه.
۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار تمام کسانی که قادر به کار هستند ولی وسایل کار ندارند. در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاصی منتهی شود و نه دولت را به صورت

^{۷۱} «لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً»، اعراف / ۱۵۷.

^{۷۲} وکیل، امیرساعد، عسکری، پوریا، **قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی**، تهران، مجمع

علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱

یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی، اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴. رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

۵. منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

۶. منع اسراف و تبذیر در همه‌ی شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف،

سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷. استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و

پیشرفت اقتصاد کشور.

۸. جلوگیری از سلطه‌ی اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹. تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی، صنعتی که نیازهای عمومی را

تأمین کند و کشور را به مرحله‌ی خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.»

در نتیجه مطابق این اصل اقتصاد جمهوری اسلامی ایران تأمین سه هدف را

دنبال می‌کند:

۱. استقلال اقتصادی.

۲. ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت.

۳. برآوردن و تأمین نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل مادی و معنوی

ضمن حفظ آزادی او.

آنچه که از اصل چهل و سوم قانون اساسی در رابطه‌ی با کرامت و ارزش والای

انسان مستفاد می‌گردد، عبارت است از:

— ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت انسان‌ها و از بین بردن فاصله‌ی طبقاتی و

در نتیجه ایجاد عدالت اقتصادی از طریق اجرای قواعد مربوط به زکات، خمس،

انفال و دستورات اخلاقی نظیر انفاق که همواره مد نظر شریعت اسلام بوده، تا از این طریق زمینه برای پیشرفت و تعالی انسان فراهم گردد.

پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: «کاد الفقر ان یكون کفرا» و حضرت علی(ع) فقر را مرگ بزرگ می‌نامند؛ (الفقر الموت الاکبر).^{۷۳}

– برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد.

نیازهای انسان تنها منحصر به خوراک، پوشاک و مسکن نیست، بلکه چون رفع این نیازها در جریان و مسیر رشد انسان‌ها در جهان مادی و معنوی عامل مؤثری است، اقتصاد نیز باید نیازها را به گونه‌ای تأمین کند که هیچ خللی در این مسیر به وجود نیاید و انسان‌ها با خیالی آسوده به طرف رشد معنوی و انسانی خود پیش روند.^{۷۴}

– حفظ آزادی انسان.

در جهان‌بینی اسلامی رشد و توسعه در نظام خاص ارزشی از طریق بهره‌برداری هر چه بهتر و بیشتر از مواهب طبیعی و به کار انداختن نیروی انسان مورد توجه قرار گرفته است. از این جهت در جمهوری اسلامی ایران نیز رشد و توسعه‌ی اقتصادی همراه با در نظر گرفتن عدالت اجتماعی مورد انتظار است تا اختلافات طبقاتی از بین برود. زیرا در غیر این صورت آزادی در یک فضای نامتعادل اقتصادی در معرض خطر قرار می‌گیرد.

در نظام اسلامی کرامت، آزادی و مسئولیت اساس حرکت انسان‌ها و راهبر زندگی فردی و اجتماعی است و در جمهوری اسلامی نیز ایمان به اصل کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا تأمین‌کننده اهداف متعالی قسط و عدل، استقلال سیاسی، اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و همبستگی ملی است.

اصل اساسی «برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادی او» از دو جهت قابل توجه است:

^{۷۳} نهج البلاغه، حکمت شماره ۱۶۳

^{۷۴} یزدی، محمد، پیشین، ص ۳۱۰

۱. در برنامه‌ی رشد و توسعه‌ی اقتصادی، آزادی و آزادگی انسان‌ها خود باعث رشد و شکوفایی می‌شود و همه‌ی افراد، با اشتراک مساعی فکری و مادی خود راه را بر روی پیشرفت و توسعه می‌گشایند.

۲. با اجرای قوانین اسلامی که ناظر به عدالت است و خواهان جامعه‌ی سالمی می‌باشد، تلاش و فعالیت اقتصادی محدود به حدودی است که افراد را از سلطه‌گری و انجام اموری که مضر به حال جامعه باشد، باز دارد. در این محیط سالم می‌توان به تضمین آزادی و آزادگی انسان‌ها امیدوار بود.^{۷۵} بنابراین برای حفظ کرامت و ارزش والای انسان ضرورت دارد که انسان تحت سلطه‌ی دیگران نباشد، چون اسلام مخالف بهره‌کشی انسان‌ها از یکدیگر است.

در نتیجه اسلام با تأکید بر عدالت و رفع منصفانه‌ی نیازهای انسان در سایه‌ی کمال‌طلبی او، جهت حفظ کرامت ذاتی انسان گام بر می‌دارد.

۸- حفظ کرامت انسان‌ها و سعادت بشر پایه‌ی سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران

یکی از اهداف مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأمین سعادت همه‌ی بشریت می‌باشد و اساس این هدف اعتقاد به کرامت و شرافت ذاتی و ارزش والای انسان‌هاست.

در این رابطه اصل یک صد و پنجاه و چهارم بیان می‌دارد: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه‌ی بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه‌ی مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند».

بنابراین اصل مذکور تأمین و حفظ مصالح و منافع کشور در ارتباط با دیگر کشورها را از جایگاه انسانی اسلامی نگریده و جامعه‌ی بشری را در یک واحد بزرگ، صاحب حق می‌شناسد و سعادت را تنها برای ملت ایران نمی‌خواهد، بلکه آن

را برای کل بشریت آرزو می‌کند،^{۷۶} زیرا انسان‌دوستی و حمایت از اصول و ارزش‌های انسانی و تلاش در راه تحقق آرمان‌های مشترک بشری و سرانجام حمایت از عدالت، آزادی، استقلال، صلح و امنیت از آموزه‌های بدیهی اسلام است،^{۷۷} در همین راستا خداوند پیامبر(ص) را «رحمة للعالمین»^{۷۸} معرفی می‌کند و بسیاری از خطاب‌ها و دعوت‌های قرآن به صورت عام (یا بنی‌آدم، یا ایها الناس) آمده است.

در پایان اصل یک‌صد و پنجاه و چهارم نیز حمایت از مستضعفان و محرومان جهان را به صورت خاص یک اصل حاکم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی معرفی کرده و جمهوری اسلامی ایران از آن جهت که عضو سازمان ملل متحد است ایفای این تعهد را در محدوده آن دسته از حقوق و تکالیف حمایتی قرار می‌دهد که حقوق بین‌الملل در حدود اهداف منشور ملل متحد آن را مورد تأکید قرار داده است. در نتیجه در حمایت از مستضعفان در مقابل مستکبران دو شرط باید مورد نظر قرار گیرد:

عدم دخالت در امور داخلی کشورها که در اصل مذکور مورد عنایت واقع شده است.

رعایت موازین حقوق بین‌الملل در حمایت از مستضعفان تحت عنوان

«نهضت‌های آزادی‌بخش» که جمهوری اسلامی خود را به آن پایبند می‌داند.^{۷۹}

^{۷۶} مدنی، سیدجلال‌الدین، پیشین، ص ۳۴۰

^{۷۷} یزدی، محمد، پیشین، ص ۶۶۶ و مجیدی، محمدرضا، پیشین، ص ۳۱۶

^{۷۸} انبیاء / ۱۰۷.

^{۷۹} وکیل، امیرساعد و عسکری، پوریا، پیشین، ص ۵۹۰

نتیجه

خداوند متعال به انسان کرامت و عزت مقدسی عطا فرموده که به خاطر آن او را جانشین خود در زمین قرار داده و فرشتگان الهی وی را مسجود خویش قرار داده‌اند.

اعطای کرامت به انسان از جانب خداوند و تبلور آن در قرآن حکایت از شأن و منزلت بلند انسان در دین اسلام دارد. از این جهت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که منبعث از قرآن و سنت می‌باشد کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند را از پایه‌های نظام دانسته و آن را شرط لازم برای ادامه‌ی حیات جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کند.

کرامت انسانی مصرّح در قانون اساسی ناشی از دیدگاه اسلام به انسان و احیاء و رشد گوهر انسانیت اوست و با مفهومی که در اسناد حقوق بشری آمده این وجه اشتراک را دارد که اصل کرامت و شرافت انسانی را برای مطلق انسان به رسمیت شناخته است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کرامت و ارزش والای انسان یک ارزش مادی محسوب نمی‌شود، بلکه ماهیت وجودی وی مورد نظر می‌باشد و آن عبارت است از روح الهی که به انسان دمیده شده است.

کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی مقتضی آزادی توأم با مسئولیت انسان در برابر خداست نه آزادی به سبک غربی.

کرامت انسانی در قانون اساسی از چنان جایگاهی برخوردار است که مبنای حقوق عمومی و آزادی‌های فردی، تعیین ضوابط اقتصادی و هدف سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر
- بی‌نا، صورت مشروح مذاکرات بررسی و تصویب نهایی قانون اساسی، تهران، انتشارات اداره‌ی کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴
- توحیدی، احمد رضا، تأملی در اصول کلی نظام، حقوق و آزادی‌های مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵
- جوان آراسته، حسین، مبانی حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۳
- جعفری، محمدتقی، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰
- زراعت، عباس و حاجی‌زاده، حمیدرضا، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه فرهنگی هنری دانش‌پذیر، ۱۳۸۸
- شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳
- طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی و مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۳
- عمید، حسین، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات اشجع، ۱۳۸۹
- عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۲

- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، امیرکبیر، ۱۳۶۸
- عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اساسی ایران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵
- عمید زنجانی، عباسعلی، کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۷
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۰
- قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲
- گرامی، غلامحسین، انسان در اسلام، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵
- مطهری، مرتضی، انسان در قرآن، انتشارات صدرا، ۱۳۸۶
- مجیدی، محمدرضا، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹
- مدنی، سید جلال‌الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات پایدار، ۱۳۸۷
- مهرپور، حسین، مختصر حقوق سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نشر دادگستر، ۱۳۸۷
- منوچهری، عباس، نظام سیاسی ایران، مرکز مطالعات فرهنگی - بین‌المللی، ۱۳۸۱
- موسوی خلخالی، سید محمد مهدی، شریعت و حکومت، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷
- نجفی اسفاد، مرتضی و محسنی، فرید، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۹
- نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۲
- وکیل، امیر ساعد و عسکری، پوریا، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۸۷
- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشر

میزان، ۱۳۸۴

- یزدی، محمد، **قانون اساسی شرح و تبیین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، انتشارات امام عصر(عج)، ۱۳۸۲

Human dignity in Islamic Republic of Iran Constitutional law

Ahmadreza BEHNIAFAR

Abstract

Human being as the Ashraf of creation and the successor to God on earth in the religion of Islam has a high value and has the inherent dignity and dignity. The constitution of the Islamic Republic of Iran, also inspired by the holy Islam of Islam, pointing to the dignity and high value of man, considers his ideal of human prosperity in the entire human society. The main purpose of the article is to use the descriptive-analytical method of human dignity in Specify the constitution. The result of this is that despite the recognition of the principle of dignity and human dignity in the constitution of the Islamic Republic of Iran and the Universal Declaration of Human Rights due to the inspiration of the constitution of Islam, the status of human dignity is different from that in the human rights documents And the acceptance of the sovereignty of man and his role in determining his own destiny, and the separate chapter on the rights of the nation for the belief in the dignity and inherent dignity of man.

Key words: Islamic religion, human dignity, Islamic Republic of Iran constitution, human rights.